

نگاهی به صیونیزم و تاریخچه پیدایی آن

ناهید پیرنظر

دانشگاه یوسی‌ال‌ای، بخش ایران‌شناسی

بررسی تاریخچه صیونیزم در ایران نیازمند آگاهی از مفهوم صیونیزم، علل پدید آمدن و انواع گوناگون آن است. لازم به یادآوری است که این سازمان در ابتدا با نام "انجمن تقویت زبان عبری" ایجاد شد، ولی سال بعد از تأسیس اعضای آن به امید دریافت کمک و پشتیبانی از مرکز صیونیزم جهانی نام صیونیزم را بر آن گذاشتند؛ امیدی که به علت بُعد مسافت و عدم امکان جمع‌آوری حق عضویت اعضای این انجمن هیچ‌گاه جامه عمل نپوشید. با این همه، این سازمان وظیفه خطیر دیگری بر عهده گرفت که رسیدگی به مشکلات جامعه دردمند خود و رسانیدن صدای آنان به مقامات دولتی و قومی بود.

ناهید پیرنظر <nahidpirnazar@gmail.com> Nahid Pirnazar دانش‌آموخته دکتری ایران‌شناسی دانشگاه یوسی‌ال‌ای است که حوزه پژوهش تخصصی‌اش ادبیات فارسی‌هود و تاریخ یهودیان ایران است و آنها را در دانشگاه یوسی‌ال‌ای تدریس می‌کند. ایشان بنیادگذار بنیاد پژوهشی خانه اسناد و نسخ فارسی‌هود است. مقالات پژوهشی او در کنفرانس‌های بین‌المللی عرضه و در *دانشنامه ایرانیکا*، *دانشنامه یهودیان در سرزمین‌های اسلامی*، *مجلات ایران‌شناسی*، *ایران‌نامه* و *ایران‌نامگ* منتشر شده‌اند. سایر آثار ایشان مشتمل است بر *ویرایش زنان شاهنامه*، نوشته استاد خالقی مطلق به انگلیسی، و کتاب *انوسی* (تغییر مذهب/اجباری) و *فارسی‌هود* از سری انتشارات کتاب ایران‌نامگ. برخی از آثار اخیر ایشان به زبان انگلیسی عبارتند از *Judeo-Persian Writings a Manifestation of Intellectual and Literary Life* و مقاله "The Process of Immigration to United States and the Acculturation of Iranian Jews," in *Wandering Jews, Global Jewish Migration*.

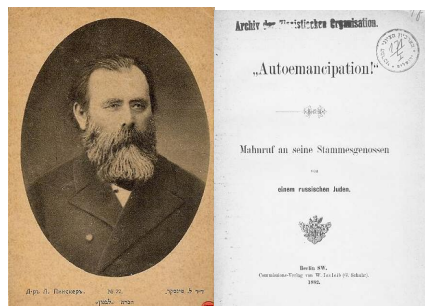
واژه صیون برگرفته از نام کوه صیون (Mt. Zion) در اورشلیم است که حضرت سلیمان معبد مقدس را بر آن ساخت و چه بسیارند یهودیانی که طی تاریخ در سراسر جهان نام این کوه را بر فرزندان ذکور خود گذاشته‌اند. اما واژه نسبتاً مدرن صیونیزم همان گونه که از پسوند غربی آن برمی‌آید به نهضت بازگشت یهودیان به سرزمین اجدادی خود و تشکیل حکومتی یهودی در آنجا اطلاق می‌شود.

مفهوم بازگشت به کوه صیون (معبد مقدس) پس از گذشت قرن‌ها در قرن نوزدهم با "صیونیزم" مطرح شد. پدید آمدن این جنبش واکنشی به موج یهودستیزی قرن نوزدهم در اروپا بود. این واژه را اولین بار ناتان بیرنباوم (Nathan Birnbaum, 1864-1937)، فیلسوف یهودی ساکن وین در ۱۸۹۰ برای "ایجاد نوعی سازمان ملی و سیاسی یهودی که در کنار فعالیت‌های خیریه ملت یهود دست به فعالیت ملی و سیاسی برای سرزمین اسرائیل بزند" به کار برد.

کشتارهای ۱۸۸۱ در روسیه باعث مهاجرت عدهٔ کثیری به امریکا شد، در حالی که گروهی دیگر راه چاره را بازگشت به ارض موعود دانستند. آنها بی‌هیچ‌گونه نظر سیاسی یا فکر ایجاد و تشکیل دولت یهودی به آن سرزمین مهاجرت کردند. هدف آنان بازگشت به سرزمین مقدس و تحصیل زبان عبری بود.^۱ اولین کنفرانس گروه طرفدار مهاجرت در ششم نوامبر ۱۸۸۴ در آلمان تشکیل شد. رومانی، آلمان، انگلستان و فرانسه از جمله ۳۵ هیئت شرکت‌کننده در این کنفرانس بودند. دومین کنفرانس در ۱۸۸۷ در روسیه تشکیل و دکتر لئون پینسکر (Leon Pinsker) از شهر آدسا به ریاست این گروه انتخاب شد. او که شاهد یهودستیزی‌های روسیه و غرب اروپا بود، یهودیان را به مهاجرت به سرزمین اجدادی‌شان تشویق کرد. پینسکر پایه‌های نهضتی با نام "دوستاناران صیون" را بنا نهاد. طرفداران این نهضت با نام‌های "حوبه صیون"، "حبیت صیون" و یا نام مخفف "بیلو" خوانده می‌شوند. او در کتاب خود، *اتو مانسیپیا [خودرهاییی بخشی] (Autoemancipation)*، در ۱۸۸۲ نظریهٔ پیشقدمان تنویر افکار را دربارهٔ امکان پذیرش یهودیان در محیط خارجی رد کرد و معتقد بود که "یهودیان در هر کشوری که باشند به آنها به دیدهٔ بیگانه می‌نگرند و چاره‌ای نیست جز اینکه سرزمینی برای آنها یافت شود که در آن بتوانند حکومتی خودمختار برای خود بر پا سازند."^۲

^۱ حبیب لوی، *تاریخ یهود ایران* (چاپ ۲؛ کالیفرنیا، بورلی هیلز: سازمان فرهنگی ایرانیان یهودی-کالیفرنیا، ۱۹۸۴)، جلد ۳، ۸۸۱-۸۸۳.

^۲ آمنون نتصر، *تاریخ یهود در عصر جدید* (چاپ ۲؛ اورشلیم: دانشگاه عبری اورشلیم، ۱۹۹۸)، ۱۲۱.



لئون پینسکر و جلد کتاب *تو امانسیپیا* / خودرهای بخشی^۲

پس از اخراج یهودیان از مسکو در ۱۸۹۱، دومین گروه از مهاجران روسیه به سرزمین مقدس روی آوردند. اما این گروه با اشکالات منع مهاجرت در روسیه و منع ورود به فلسطین از جانب دولت عثمانی روبه رو و فقط تعداد کمی موفق به مهاجرت شدند.^۴

در حالی که نهضت "دوستاناران صیون" کم کم در اروپا و آمریکا پا می گرفت و جوامع یهودی برلن، فرانکفورت، پاریس و لندن اشتیاق بیشتری برای کمک مالی به منظور آبادانی سرزمین موعود از خود نشان می دادند، یهودی دیگری از شهر ادسا با نام آشر گینزبرگ وبا نام مستعار احاد هاعام (Ahad Ha'am, 1856-1927) در سال ۱۸۸۹ از این طرح انتقاد کرد و معتقد بود که سرزمین فلسطین نمی تواند مهاجران زیاد و گروهی را بپذیرد یا مشکلات سیاسی این دسته های کوچک مهاجر را حل کند.



احاد هاعام، طرفدار صیونیزم فرهنگی

^۲ تصاویر این مقاله برگرفته از منابع در دسترس اینترنتی اند.

^۴ نتصر، تاریخ یهود در عصر جدید، ۱۲۱.

به علاوه، مدعی شد که یهودیان تجربهٔ زراعت را ندارند و آن سرزمین فقط می‌باید مرکز الهامات فکری ملت یهود قرار گیرد. بدین ترتیب، احاد هاعام در آغاز بیشتر طرفدار توسعهٔ افکار و فرهنگ یهودیت بود تا ایجاد مرکزی ملی و سیاسی. پیامد افکار هاعام تأسیس جمعیت بنی‌موسی با نام «بنی مُشه» بود. اما با برآمدن تئودور هرتل، هاعام نتوانست طرفداران چندانی جلب کند.^۵ از میان طرفداران برتری صیونیزم فرهنگی بر صیونیزم سیاسی باید به الیعزر بن یهودا (Eliezer Ben-Yehuda, 1858-1922) اشاره کرد که زبان عبری نو را از روی زبان عبری تورات در عهد عتیق برای محاوره و نوشتار در دوران معاصر بازسازی کرد.^۶



الیعزر بن یهودا، احیاکنندهٔ زبان عبری قدیم

تئودور هرتل (Theodor Herzl, 1860-1904)، که در دانشگاه وین حقوق خوانده بود، همواره شاهد یهودستیزی در میان مردم آلمانی‌زبان از دههٔ ۱۸۸۰ به بعد بود. او در مقام خبرنگار روزنامه‌ای اتریشی در پاریس شاهد اتهام و محاکمهٔ دریفوس، افسر بی‌گناه یهودی، بود. محکومیت، خلع درجه، حبس و سپس تجدید نظر در حکم دادگاه و بازگشت دریفوس به آزادی بر هرتل بسیار اثرگذار بود. هرتل پس از این محاکمه و با نوشتن کتاب معروف خود، *کشور یهودیان*، در ۱۸۹۶ ایدهٔ صیونیزم سیاسی را طرح و پایه‌های ملی و سیاسی این نهضت را برای تشکیل دولتی یهودی در هر کجای جهان بنیاد نهاد.

^۵لوی، *تاریخ یهود ایران*، ۸۸۲-۸۸۳؛ نتصر، *تاریخ یهود در عصر جدید*، ۱۲۲.

^۶Michael Myers, *Jewish Identity in Modern World* (Washington: University of Washington Press, 1990), 68.

"If I were to sum up
the Basel Congress
in one word,
it would be this:
At Basel
I founded the
Jewish State"

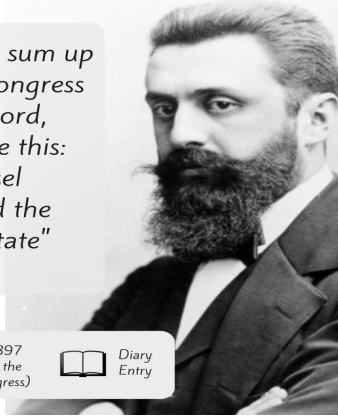
-Theodore Herzl



September 3, 1897
(Two days after the
First Zionist Congress)



Diary
Entry



تئودور هر تزل، پایه‌گذار صیونیزم سیاسی

هر تزل اعتقاد داشت که امر مهاجرت و اسکان پیشنهادی "دوستاناران صیون" بدون استقلال سیاسی میسر نیست و در این راه سخت به فعالیت پرداخت. نهایتاً طرح سیاسی هر تزل در سال ۱۸۹۷ در اولین کنگره جهانی صیونیزم در شهر بازل سوئیس مطرح و مورد قبول شرکت کنندگان این کنگره واقع شد. کنگره دو هدف مورد توافق همه را واضح اعلام کرد:^۷ اول، ایجاد یک مرکز ملی یهودی در فلسطین که حقوق عمومی آن شناخته شود و دوم، تأسیس تشکیلات صیونیست جهانی.

آنان برای رسیدن به این دو هدف چهار موضوع زیر را جزو برنامه خود قرار دادند:

الف. تشویق منظم امور زراعتی با ایجاد دهات فلاحی و توسعه صنعت و کار بین یهودیان.

ب. متشکل ساختن و ایجاد اتحادیه‌های یهودی در سراسر جهان از طریق انجمن‌های محلی و در حدود قوانین کشوری هر مملکت.

ج. احیای هویت ملی یهودیان جهان.

د. حصول موافقت دول برای اجرای هدف صیونیزم.

در پایان، دفتر صیونیزم در وین شورایی با نام هیئت فعاله و کمیته اجراییه‌ای را تأسیس و تئودور هر تزل را به ریاست آن انتخاب کرد.^۸ بلافاصله پس از برقراری

^۷لوی، تاریخ یهود/ایران، جلد ۳، ۸۹۲.

^۸لوی، تاریخ یهود/ایران، جلد ۳، ۸۹۱-۸۹۲.

نخستین کنگره، نشریه رسمی سازمان صیونیزم با نام دی ولت (*Die Welt*) در همان سال (۱۸۹۷) انتشار یافت. پس از آن، هیئت امنای اسکان یهودی در ۱۸۹۹ شکل گرفت و صندوق ملی یهود در ۱۹۰۱ تأسیس شد



نشریه رسمی سازمان صیونیزم، دی ولت (*Die Welt*)

هرتصل بعد از مراجعت به وین در ۳ سپتامبر ۱۸۹۷ در خاطرات خود نوشت: "مگر بنا باشد نتایج کنگره بازل را خلاصه کنم بدین قرار است که من در بازل دولت یهود را ایجاد کردم... در پنج سال دیگر و شاید در پنجاه سال دیگر تمام جهانیان آن را خواهند دید. دولت یهود هم اکنون به شکل اساسی ایجاد شده است، زیرا ایجاد یک دولت منوط به اراده ملت است." جالب آنکه درست بعد از پنجاه سال سازمان ملل متحد در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ با دوسوم آرا به تأسیس چنین کشوری رأی موافق داد.^۹



اولین کنگره جهانی صیونیزم در ۱۸۹۷ در شهر بازل سوئیس^{۱۰}

^۹ لوی، تاریخ یهود/یران، جلد ۳، ۸۹۳؛ نتصر، تاریخ یهود در عصر جدید، ۱۲۹.

^{۱۰} تصویر برگرفته از

<https://static.timesofisrael.com/www/uploads/2017/06/D131-006.jpg/>.

به دنبال اولین کنگره جهانی صیونیزم، طرفداران آن به دو گروه تقسیم شدند: گروه اول که همان گروه دوستداران صیون بودند و اعتقاد داشتند که با رفتار عملی، بدون تشکیلات سیاسی، از طریق مهاجرت به سرزمین اجدادی، توسعه و ترویج فرهنگ عبری و یهودیت و تأسیس مزارع و توسعه کشاورزی می‌توانند به همه هدف‌های صیونیزم سیاسی برسند.^{۱۱} و گروه دوم یا طرفداران صیونیزم سیاسی که رسیدن به این خواسته را بدون داشتن یک برنامه سیاسی عملی نمی‌دانستند. پس از اولین کنگره جهانی صیونیزم در شهر بازل، در همه کشورهای اروپا و امریکا تشکیلات صیونیست ایجاد شد و رفته‌رفته دوستداران صیون یا حوبه به تشکیلات صیونیست سیاسی پیوستند.

در سال‌های بعد، هر فصل بسیار کوشید که موافقت و پشتیبانی برخی از سران کشورها و از جمله آلمان، ترکیه عثمانی و روسیه را به منظور یافتن موطنی برای یهودیان جلب کند، اما به هر جا روی می‌آورد با مشکل و عدم همراهی روبه‌رو می‌شد. در ملاقات اولش با ویلهلم دوم، قیصر آلمان، در اکتبر ۱۸۹۸ توانست نظر موافق او را نسبت به مهاجرت یهودیان به فلسطین جلب کند، اما ویلهلم پس از ملاقات با سلطان عبدالحمید عثمانی در دیدار دوم خود با هر فصل نسبت به موضوع بی‌اعتنایی نشان داد. این ملاقات سرد و بی‌نتیجه باعث شد که هر فصل فعالیت‌های خود را متوجه روسیه و انگلستان سازد تا شاید بتواند چنین موطنی را موقتاً در سرزمین مناسب دیگری بیابد. در اینجا بود که برنامه العریش در صحرای سینا و پس از آن برنامه اوگاندا در افریقا با دولت انگلستان در میان گذاشته شد که هیچ یک عملی نبودند.^{۱۲}

کنگره جهانی صیونیزم از ۱۸۹۷ تا ۱۹۰۱ همه ساله و پس از ۱۹۰۳، غیر از سال‌های جنگ، هر دو سال یکبار تشکیل شد. سلطان عبدالحمید پس از رد درخواست‌های متعدد هر فصل برای دیدار، بالاخره در ژوئیه ۱۹۰۲ اظهار داشت که فقط حاضر است برای ورود یهودیان و استقرار دهات فلاحتی آنان در سوریه و بین‌النهرین و آناتولی اقدام کند ولی برای استقرار آنان در فلسطین کاری نخواهد کرد.^{۱۳} این امر باعث شد که کنگره پنجم (۱۹۰۱) تصمیم بگیرد از سرمایه ملی برای توسعه کشاورزی یهودیان اقدام به خرید اراضی در فلسطین کند.^{۱۴} در همین کنگره، حیم وایزمن

^{۱۱} انتصر، تاریخ یهود در عصر جدید، ۱۱۲-۱۱۳.

^{۱۲} انتصر، تاریخ یهود در عصر جدید، ۱۲۹-۱۳۰.

^{۱۳} لوی، تاریخ یهود ایران، جلد ۳، ۸۹۴-۸۹۵.

^{۱۴} لوی، تاریخ یهود ایران، جلد ۳، ۸۹۴.

تأسیس دانشگاه عبری در اورشلیم را پیش نهاد و یک کمیته فرهنگی برای این امر انتخاب شد.^{۱۵}



سخنرانی لرد بالفور در دانشگاه عبری اورشلیم، ۱۹۲۵

در کنگره ششم (۱۹۰۳)، که یکی از جنجالی ترین کنگره‌ها بود، پس از اخذ رأی، کمیته‌ای مشورتی مأمور رسیدگی به برنامه اوگاندا شد. اما هم صیونیست‌ها و هم ساکنان انگلیسی شرق آفریقا که در آن زمان تحت‌الحمایه انگلیس بودند به این طرح اعتراض کردند.^{۱۶} رد برنامه اوگاندا به هر وصل ثابت کرد که یهودیان را هیچ پناهگاه و مأمنی غیر از سرزمین اجدادی آنان نیست. لذا بار دیگر به‌رغم بیماری قلبی خود رو به سوی پادشاه ایتالیا، ایمانوئل سوم، آورد. ایمانوئل ابتدا هر وصل را به گرمی پذیرفت، اما با مخالفت پاپ سوم برای فرستادن یهودیان به فلسطین مواجه شد.^{۱۷} چند ماهی پس از دریافت پاسخ پاپ، هر وصل که چندین سال بود به بیماری قلبی دچار بود، در ۳ ژوئیه ۱۹۰۴ در ۴۴ سالگی در اثر ذات‌الریه در اتریش درگذشت.^{۱۸}

کنفرانس جهانی صیونیزم کماکان هر دو سال یک بار تشکیل می‌شد تا بالاخره در هشتمین اجلاس این کنفرانس که در ۱۹۰۷ در شهر لاهه برقرار شد، حییم

^{۱۵} الوی، تاریخ یهود/ ایران، جلد ۳، ۸۹۴؛ تصویر برگرفته از

https://i0.wp.com/jcpa.org/wp-content/uploads/2017/02/balfour_university.jpg?w=752&ssl=1/.

^{۱۶} نتصر، تاریخ یهود در عصر جدید، ۱۳۲.

^{۱۷} الوی، تاریخ یهود/ ایران، جلد ۳، ۸۹۶؛ نتصر، تاریخ یهود در عصر جدید، ۱۳۲.

^{۱۸} الوی، تاریخ یهود/ ایران، جلد ۳، ۸۹۶؛ نتصر، تاریخ یهود در عصر جدید، ۱۳۲.

وایزمن (Chaim Weismann, 1874-1952) که در آن هنگام ریاست سازمان را بر عهده داشت اعلام کرد که روش عملی دوستداران صیون و روش صیونیزم سیاسی لازم و ملزوم‌اند و باید در هم آمیخته شوند. به عبارت دیگر، وایزمن معتقد بود که صیونیزم سیاسی بدون حل مسئله مهاجرت و اسکان در سرزمین اجدادی کاری از پیش نمی‌برد. از سوی دیگر، جنبه عملی آن، یعنی مهاجرت و اسکان یهودیان در سرزمین اجدادی یهودیان که از زمان خرابی معبد دوم به دست رومیان تغییر نام یافته و فلسطین خوانده شده بود، بدون استقلال سیاسی در سرزمینی با نام وطن نمی‌تواند جامعه عمل پوشد.



حییم وایزمن، رئیس هشتمین کنگره صیونیزم در لاهه

آغاز جنگ جهانی اول اجباراً موجب تعطیل کنگره‌های جهانی و باعث تقسیم صیونیست‌ها به سه دسته شد که عبارت بودند از صیونیست‌های ممالک مرکزی جبهه متحدین، صیونیست‌های ممالک متفقین و صیونیست‌های ممالک بی‌طرف. در عین حال، برای آنکه رابطه بین صیونیست‌ها قطع نشود، دفتری در کپنهاگ، پایتخت دانمارک، تأسیس شد. عضویت در سازمان صیونیستی جهان بر مبنای کشور و ایدئولوژی‌های گوناگون صورت می‌گرفت. هر کشور بر طبق خرید شِکِل یا شِیقل و پرداخت حق عضویت در کنگره‌های این سازمان می‌توانست نماینده بفرستد. به همین ترتیب، پذیرش نمایندگان از دسته‌های گوناگون با ایدئولوژی‌های مختلف در مسیر جنبش صیونیزم در این کنگره پذیرفته می‌شدند. از جمله این گروه‌ها می‌توان از گروه‌های میزراحی یا صیونیست‌های مذهبی (Zionists Mizrahi/ Religious)، گروه جوانان محافظ صیونیزم (ها شومر ها تصاعیر، Ha Shomer ha Tzair)، گروه

کارگران سوسیالیست صیون (پوعلیه صیون، Poalei zion) و حزب کشور یهودی (The Jewish State) و سایر گروه‌های دارای ایدئولوژی‌های دیگر نام برد.^{۱۹}

در سال‌های جنگ جهانی اول، رفته‌رفته لندن مرکزیت تشکیلات صیونیستی را به رهبری حییم وایزمن به دست آورد. اعلامیه بالفور در دوم نوامبر ۱۹۱۷ و درحالی‌که سربازان ژنرال ادموند آلنبی (Edmund Allenby, 1861-1936) در جبهه فلسطین به سوی اورشلیم پیش می‌رفتند، ازسوی لرد آرتور جیمز بالفور (Lord Arthur James Balfour, 1848-1930)، نخست‌وزیر اسبق و وزیر خارجه وقت انگلستان، به لرد روچیلد (Lord Rothschild) ارسال شد. دراین نامه که به اعلامیه بالفور (Balfour Declaration) معروف شده است آمده بود که دولت پادشاهی انگلیس «تأسیس یک خانه ملی را برای ملت یهود در فلسطین با حسن نیت می‌نگرد... و لازم است به روشنی تأیید گردد که اقدامی انجام نخواهد گرفت که [علیه] حقوق مدنی و مذهبی جوامع غیریهودی فعلی فلسطین یا [علیه] مقام سیاسی و حقوقی یهودیانی که در کشورهای دیگر از آن بهره‌مندند تبعیضی وارد گردد.»^{۲۰}



ژنرال ادموند آلنبی

^{۱۹} نتصر، تاریخ یهود در عصر جدید: ۱۲۵.

^{۲۰} لوی، تاریخ یهود/ ایران، جلد ۳، ۸۹۹؛ نتصر، تاریخ یهود در عصر جدید، ۱۵۸-۱۵۹.

William Ochsenwald and Sydeny Nettleton Fisher, *Middle East: A History* (7th ed.; New York: McGraw Hill, 2011), 378, 447-448; Shmuel Ettinger, "The Modern Period," in *A History of the Jewish People*, edited by H. H. Ben-Sasson, et al. (Cambridge, MA: Harvard University Press, 1976), 991 and 995.



از چپ به راست: لرد ادموند الن بی، لرد آرتور بالفورد، و سِر هربرت ساموئل

برای تهیه این اعلامیه، سران صیونیست و به خصوص حییم وایزمن و ناحوم سوکولو (Nahum Sokolow, 1859-1936)، فعال و مذاکره‌کننده نهضت صیونیزم با کشورهای اروپایی، سهم بسزایی داشتند.



از چپ به راست: حییم وایزمن، آرتور بالفورد و ناحوم سوکولو در دیداری در شهر هرترصلیه

اعلامیه بالفورد جهان یهودیت را تکان داد. برای یهودیان ایران از نظر اشتراک مساعی در نهضت جهانی صیونیزم، اعلامیه بالفورد نقطه تحول تاریخی به شمار می‌رود.

ازسوی دیگر، از لابه‌لای مکاتبات شریف حسین، فرماندار مشترک عثمانی در مکه، و سِر هانری مک‌ماهون (Sir Henry McMahon)، کمیسر ارشد انگلیس در مصر و سودان، برمی‌آید که انگلیسی‌ها در سال‌های آخر جنگ از ایجاد یک دولت مستقل عرب تحت حکومت خاندان هاشمی حمایت می‌کردند.

قرارداد امیر فیصل و دکتر حییم وایزمن^{۲۱}

در ۱۹۱۹، دو هفته قبل از کنفرانس صلح پاریس، امیر فیصل، پسر سید حسین بن علی فرماندار مکه، در سمت ریاست هیئت نمایندگی اعراب در کنفرانس و دکتر حییم وایزمن به نمایندگی از سازمان صیونیست با در نظر گرفتن سوابق نژادی و تاریخی بین اعراب و قوم یهود قراردادی به منظور حفظ رابطه‌ی حسنه بین اعراب و قوم یهود امضا کردند. در این قرارداد "مشروط بر تشکیل کشور فلسطین"، اعراب از اعلامیه‌ی بالفور پشتیبانی کردند و در مقابل سازمان صیونیست نیز تعهد کرد در زمینه‌ی تشکیل یک حکومت مستقل فلسطینی برای اعراب کوشا باشد. این قرارداد، با حضور تی. ای. لورنس (T.E. Lawrence) ۱۸۸۸-۱۹۳۵ که در آن جلسه حضور داشت و مطالب را برای امیر فیصل که با زبان انگلیسی آشنا نبود ترجمه می‌کرد، در محل هتل کارلتون در پاریس امضا شد. در کنار آن قرارداد، امیر فیصل به زبان عربی اضافه کرد که این قرارداد مشروط به تشکیل کشور فلسطین در خطه‌ی اعراب خواهد بود.

^{۲۱} بنگرید به

<https://israeled.org/resources/documents/emir-feisal-chaim-weizmann-correspondences/>
"We Arabs, especially the educated among us, look with the deepest sympathy on the Zionist movement. Our deputation here in Paris is fully acquainted with the proposals submitted yesterday by the Zionist Organization to the Peace Conference, and we regard them as moderate and proper. We will do our best, in so far as we are concerned, to help them through: we will wish the Jews a most hearty welcome home."



از چپ به راست، حسین بن علی، فرماندار مکه، نفر اول نشسته؛ به همراه دو پسرش امیر عبدالله، پادشاه آینده اردن، نفر دوم نشسته؛ و امیر فیصل، پادشاه آینده عراق و سوریه، نفر سوم نشسته

بنا به گفتهٔ داوید هانتز میلر (David Hunter Miler, 1875-1961)، در *خاطرات من/از کنفرانس پاریس*، امیر فیصل در کنفرانس پاریس در ۶ فوریه ۱۹۱۹، ضمن اظهار همدردی و تفاهم با یهودیان و آرمان صیونیزم، سعی خود را بیشتر بر پی‌ریزی آرمان‌های عرب برای یک کشور مستقل عربی گذاشت و به علت شرایط خاص بین‌المللی در خصوص فلسطین، آینده آن را منوط به تفاهم خواسته هر دو جانبه گذاشت.^{۲۲}

²²“Palestine, for its universal character, he left on one side for the mutual consideration of all parties interested. With this exception, he asked for the independence of the Arabic areas enumerated in his memorandum.” See David Hunter Miller, *My Diary of the Peace Conference* at ark:/13960/t4pk0rq5w/.

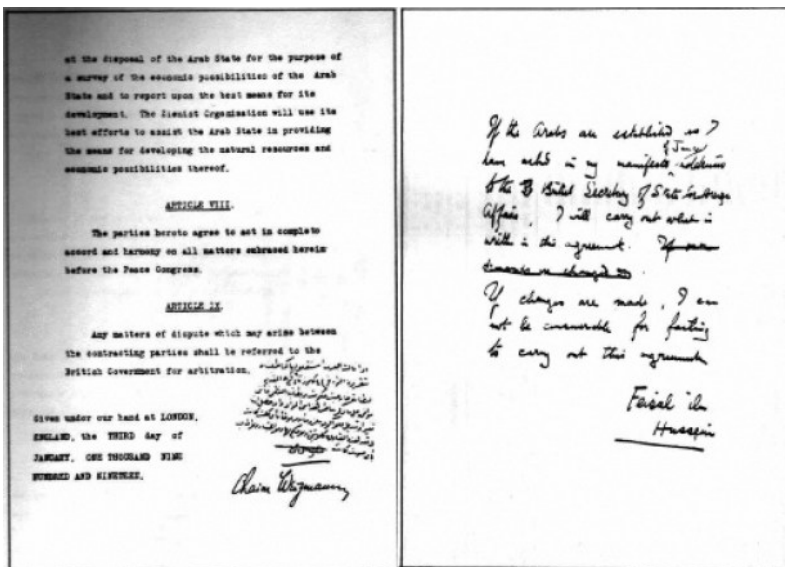


حییم وایزمن و پرنس فیصل در ۱۹۱۹، به مناسبت قرارداد تقسیم صلیح‌آمیز فلسطین بین دو ملت، قراردادی که هیچ‌گاه عملی نشد.



امیر فیصل همراه هیئت نمایندگان عرب و تی‌ای. لورنس، نفر دوم ایستاده از راست، در کنفرانس پاریس^{۲۳}

²³<https://shorturl.at/qApWx/>.



صورت قرارداد ۱۹۱۹ که در ۹ ماده به امضا رسید. در پایین صفحه یادداشت عربی امیر فیصل

دید می‌شود.^{۲۴}

این قرار داد هیچ‌گاه عملی نشد، زیرا که پیش از آن و در ۱۹۱۶ متفقین، یعنی فرانسه و انگلیس، طبق قرارداد سایکس-پیکو (Sykes-Picot Agreement) محرمانه قسمتی از سرزمین‌های دولت عثمانی شکست‌خورده را بین خود تقسیم کرده بودند.^{۲۵} پس از جنگ، متفقین بقیه اراضی عثمانی را که شامل فلسطین هم می‌شد در کنفرانس سن ریمو موقتاً تحت قیمومت خود درآوردند.

شورای عالی متفقین پس از جنگ جهانی اول از ۱۹ تا ۲۶ آوریل ۱۹۲۰ در سن ریمو (San Remo) واقع در ایتالیا کنفرانسی تشکیل داد. در این کنفرانس، طی عهدنامه‌ای سرزمین فلسطین میان دو ملت، یعنی یهودیان صیونیست از یک طرف و فلسطینی‌های مسلمان و اعراب مسیحی از طرف دیگر، تقسیم شد.

²⁴<https://il.wp.com/www.israeldiaries.com/wp-content/uploads/2015/11/feisal-weizmann-agreement-last-page-1.jpg?resize=619%2C441/>.

²⁵<https://www.jewishvirtuallibrary.org/the-sykes-picot-agreement-1916/>.

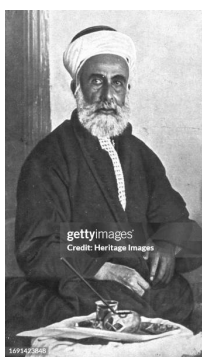


اعضای شرکت‌کننده در کنفرانس سن ریمو در ۱۹۲۰

قیمومت ناحیه غربی رود اردن با نام فلسطین به عهده انگلستان واگذار شد و در ۳۰ ژوئن ۱۹۲۰، سر هربرت ساموئل (Sir Herbert Samuel, 1870-1963) در مقام نخستین حاکم انگلیسی دولت قیم به سرزمین فلسطین وارد شد و تا ۱۹۲۵ در این سمت باقی ماند. از سوی دیگر، چنان که از پیش "وعده داده شده بود"، اداره زمین‌های شرقی رود اردن، که به ماورای اردن (Transjordan) معروف بود، با نام کشور اردن هاشمی، در تاریخ ۱۹۲۱ به شاهزاده عبدالله، پسر شریف حسین حاکم مکه، واگذار شد.



ملک عبدالله اول، نخستین پادشاه اردن هاشمی



سید حسین بن علی، فرماندار مکه

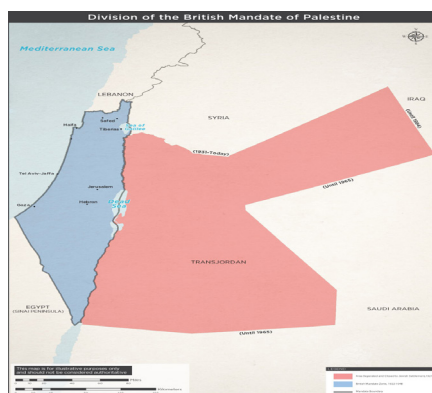


سر هربرت ساموئل، فرماندار بریتانیا و قیم در فلسطین



سر وینستون چرچیل، سر هربرت ساموئل و پرنس عبدالله، فرزند شریف حسین حاکم مکه

بر همین اساس، جامعه ملل در ۱۹۲۲ اداره ماورای اردن را از قیمومت فلسطین خارج کرد. با این حال، انگلیس از هر نظر کنترل خود را بر ناحیه حفظ کرد.^{۲۶} نه صیونیست‌ها و نه ناسیونالیست‌های پان عرب از جدایی ماورای اردن یا اردن هاشمی استقبال نکردند؛ صیونیست‌ها به این علت که بخشی از ماورای اردن را سهم ملی یهودیان می‌دانستند و ناسیونالیست‌های عرب هم به این علت که آرزوی ایجاد دولت عرب گسترده‌تری را در سر می‌پروراندند.^{۲۷} محتوی کنفرانس سن ریمو در جامعه ملل متحد در ۲۴ ژوئن ۱۹۲۲ و سپس در کنگره آمریکا تأیید شد. سناتور هنری کابوت لاج، رئیس کمیته امور خارجی، آن را به کنگره معرفی و پشتیبان تصویب آن در کنگره آمریکا بود.^{۲۸}



نقشه تقسیم سرزمین فلسطین پس از کنفرانس سن ریمو^{۲۹}

²⁶Ochsenwalrd et al, *Middle East*, 453; Middle East Research and Information Project, "The British Mandate in Palestine," at www.merip.org/palestine-israel_primer/brit-mandate-pal-isr-prime.html/.

²⁷Ochsenwalrd et al, *Middle East*, 448.

²⁸<https://www.mtholyoke.edu/acad/intrel/britman.htm/>. Text of the British Mandate Regarding Palestine at San Remo conference 1920.

²⁹<https://shorturl.at/2ID2P/>.

ZIONISTS APPEAL TO LODGE.

Senator Spreads Their Resolution on Senate Minutes.

Special to The New York Times.

WASHINGTON, March 30.—A Jewish delegation from Massachusetts, accompanied by Speaker Gillett of the House, called on Senator Henry Cabot Lodge, chairman of the Foreign Relations Committee, today and presented the resolution passed unanimously by both Houses of the Massachusetts Legislature on Wednesday urging "the Government of the United States of America formally to recognize and approve the yearning desire of the Jewish people for a national home in Palestine, the land of their forefathers."

Senator Lodge assured the delegation he would lend his influence to have the American Government facilitate in every manner possible the definition of the status of Palestine as the Jewish National Home, and declared his sympathy with the Zionist movement, reminding the delegation of the letter he had sent to the Zionist organization of America in 1919, in which he had said, "I should be glad to see action by the United States in line with the Balfour declaration. I feel that the effort of the Jewish people to establish a national home in Palestine is not only natural, but in all ways to be desired."

The delegation also called on Vice President Coolidge, former Governor of Massachusetts, to whom it explained its mission in Washington. The Vice President expressed his sympathy and best wishes for the success of their efforts.

After his reception of the delegation Senator Lodge had the resolution, as adopted by the Massachusetts Legislature, spread on the minutes of the Senate and ordered printed in The Congressional Record.

The New York Times

Published: March 31, 1922

Copyright © The New York Times

اعلان تصویب قطعنامه سن ریمو و تصویب آن در کنگره امریکا در روزنامه نیویورک

تایمز (۳۱ مارس ۱۹۲۲)

نگاهی به صیونیزم و تاریخچه پیدایی آن



پرزیدنت وارن هاردینگ (Warren Harding, 1865-1923) این قطعنامه را در ۱۱ سپتامبر ۱۹۲۲ امضا کرد و کشور ترکیه نیز با امضای آن در ۲۴ ژوئن ۱۹۲۳ بر آن صحنه گذاشت.^{۳۰}



سناتور هنری کابوت لاج، از ایالت ماساچوست

پرزیدنت وارن هاردینگ، بیست و نهمین رئیس
جمهور آمریکا

صیونیزم و انواع آن

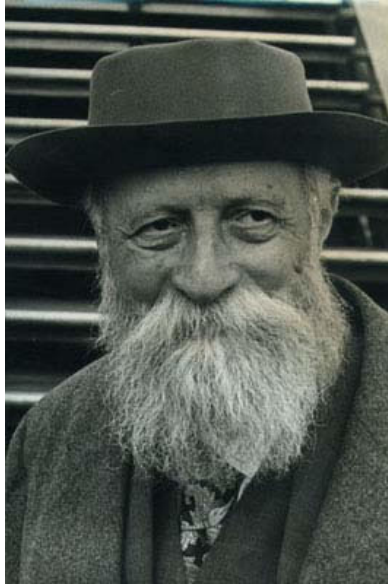
از میان نخستین دسته‌های پیرو صیونیزم سیاسی باید به گروه سوسیالیست صیونیست به رهبری پرژوو (Ber Borchoy, 1881-1917) اشاره کرد. این گروه معتقد بودند که نحوه و نوع کارهای غیرسازنده یهودیان در گذشته و طرز فکر اقتصادی و اجتماعی ایشان اثر فراوانی در سرنوشت تاریخی آنان دارد. آنان بر این عقیده بودند که در سرزمین اسرائیل باید یک جامعه یهودی فعال و علاقه‌مند به کارهای بدنی پدید آید که مخالف با اختلافات طبقاتی باشد. بیشتر یهودیانی که در اوایل قرن بیستم به سرزمین اسرائیل مهاجرت کردند از پیروان همین دسته بودند و غالباً هم آنان در ۱۹۴۸ رهبری کشور اسرائیل را به عهده گرفتند.

³⁰<https://shorturl.at/yoQm2/>.



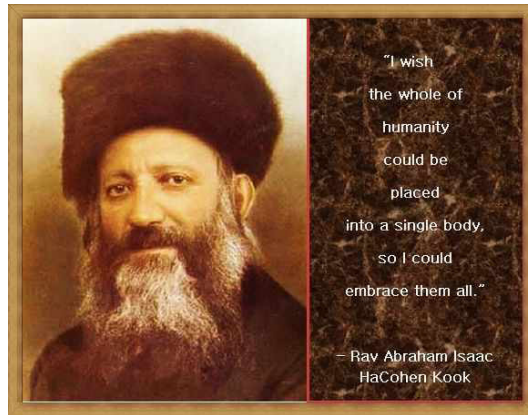
بِر بُرُخوو

مارتین بوبر (Martin Buber, 1878-1965)، فیلسوف اگزیستانسیالیست یهودی متولد وین از یاران اولیه هرivel بود که عقایدش دربارهٔ صیونیزم بیشتر متأثر از احاد هاعام و متمایل به صیونیزم فرهنگی بود. او از شرکت‌کنندگان سومین کنگرهٔ جهانی صیونیزم در بازل سویس در ۱۸۹۹ بود در ۱۹۰۲ مدیریت نشریهٔ رسمی صیونیزم، *دی ولت*، را برای مدتی بر عهده گرفت. مارتین بوبر از ۱۹۳۸ در مقام استادی دانشگاه عبری اورشلیم در سرزمین فلسطین آن زمان که تحت قیمومت انگلستان بود اقامت گزید. او که با تدریس مردم‌شناسی و مقدمات جامعه‌شناسی در دانشگاه اورشلیم کار خود را آغاز کرده بود، حل مسئلهٔ فلسطین را در ایجاد روابط فرهنگی و دوستی می‌دید و نه در روش‌های سیاسی.



مارتین بوبر، طرفدار صیونیزم فرهنگی

در میان رهبران دینی باید از راب ابراهام اسحق کوک (R. Abraham Isaac Kook) نام برد که از صیونیزم سیاسی پشتیبانی می کرد.



راب اسحق کوک

او در حالی که رهبران غیردینی صیونیزم را به مراعات یهودیت تشویق می کرد، آنان را وسیله ای برای تحقق پیشگویی های مذهبی و بازگشت قوم یهود به صیون می دانست و یهودیان را به مهاجرت به سرزمین مقدس دعوت می کرد.

با این همه، گروهی از مذهب‌یون اصول‌گرا و از جمله گروه نتوره کارتا (Netu-rie Karta)، که همواره برای رسیدن به سرزمین موعود منتظر ظهور ناجی خود هستند، موجودیت دولت اسرائیل کنونی را هنوز هم تا ظهور ماشیه به رسمیت نمی‌شناسند.

در خاتمه باید تکرار کرد که مفهوم امروزی واژه صیونیزم همان صیونیزم سیاسی پیشنهادی تئودور هرتزل است که با هدف مهاجرت و ایجاد وطنی برای یهودیان در سرزمین موعود در هم آمیخته است. با اینکه اکثر گروه‌های دینی بعدها در این جنبش حضور داشتند و نقش ایفا کردند، رهبران این جنبش یهودیانی پایبند به اصول دینی نبوده و با صیونیزم به صورت مسئله‌ای ملی و غیردینی برخورد کرده‌اند. قصد این جنبش تشکیل یک کشور مستقل یهودی در محل اراضی ذکرشده در کتب مقدس است و نه در جای دیگر. همچنین، باید یادآور شد که نه همه صیونیست‌ها لزوماً یهودی هستند و نه همه یهودی‌ها لزوماً صیونیست.

قیمومت فلسطین وظیفه بزرگی بود که با اختلافات فراوانی میان ملت‌ها در زمینه مذهب، ملیت و آرمان‌های سیاسی-اجتماعی و عقیدتی مواجه شد. به همین سبب، ارنست بونین (Ernest Bevin, 1881-1951)، وزیر امور خارجه انگلستان، در ۱۴ فوریه ۱۹۴۷ اعلام کرد که "انگلستان نمی‌تواند میان منافع گوناگون مردمی که در سرزمین فلسطین ساکن‌اند، تفاهم برقرار کند. لذا تصمیم گرفته است مشکلات را به سازمان ملل متحد ارجاع دهد." در نوامبر ۱۹۴۷، مجمع عمومی سازمان ملل تقسیم سرزمین فلسطین به دو دولت را با اکثریت ۳۳ رأی موافق، ۱۳ رأی مخالف و ۱۱ رأی ممتنع تصویب کرد. بر اساس این مصوبه، انگلستان می‌بایست نیروهای خود را در اول اوت ۱۹۴۸ از آن سرزمین خارج می‌کرد. به دنبال این رأی، داوید بن‌گوریون (David Ben-Gurion, 1886-1973) و یاران صیونیست او در ۱۴ مه ۱۹۴۸ تولد کشور اسرائیل را اعلام کردند و روز بعد از آن، ۱۵ مه ۱۹۴۸، اتحادیه کشورهای عرب بنا بر اعلامیه‌های قبلی خود مبنی بر عدم شناسایی کشور اسرائیل و به طرفداری از فلسطین با اسرائیل وارد جنگ شدند.^{۳۱}

³¹Ettinger, "The Modern Period," 1052; Ochsenwalrd et al, *Middle East*, 449-450 & 537-539.



سابقه صیونیسم در ایران

در ۱۹۱۷، جنبه سیاسی صیونیسم که نمودار نوعی جنبش فرهنگی غربی است، از طریق اعلامیه بالفور به ایران معرفی شد. این رویداد در پی جنبش روشنگری ایرانیان یهودی، که با تأسیس مدارس آلیانس و کسب نسبی حقوق اجتماعی به علت برپایی قوانین مشروطه آغاز شده بود، موجب پیوستگی بیشتر روشنفکران و آگاهی اجتماعی نوجوانان شد.^{۳۲} اعلامیه بالفور در ۲ نوامبر ۱۹۱۷ پس از قرن‌ها سرکوب احساس غرور و اعتماد به نفس را در میان ایرانیان یهودی تقویت کرد.^{۳۳} نخستین

^{۳۲} لوی، تاریخ یهود ایران، جلد ۳، ۵۱۰.

^{۳۳} لوی، تاریخ یهود ایران، جلد ۳، ۵۱۰.

هدف جامعه‌ی روشن‌گرای یهودی ترویج دانش زبان عبری و احیای هویت یهودی بود؛ هویتی که با گذشت زمان غیر از گروهی از دینداران، برای جامعه کم‌کم رنگ باخته بود. نخستین گردهمایی رهبران شاخص و روشنفکران یهودی در ۱۸ دسامبر ۱۹۱۷ برگزار شد. سازمانی که در پی این گردهمایی تشکیل شد "انجمن تقویت زبان عبری" نام گرفت و احیای هویت جامعه‌ی یهودی از طریق آموزش زبان عبری نخستین گام در این راه بود.^{۳۴}



هیئت مدیره‌ی انجمن صیونیست مرکزی، ۱۹۱۹



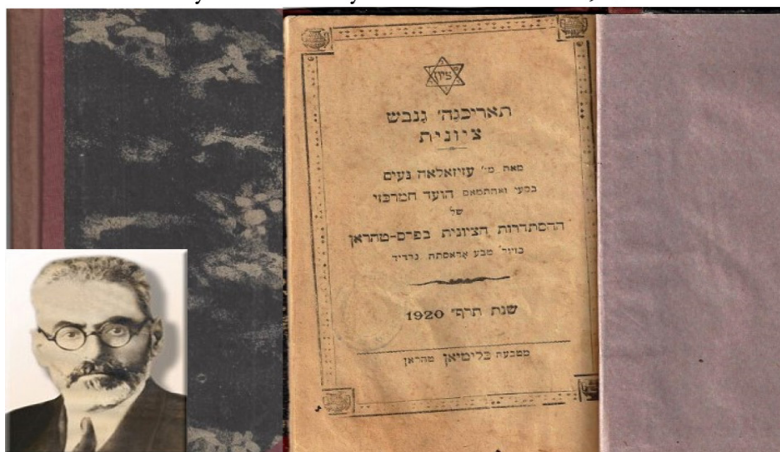
هیئت مدیره‌ی انجمن صیونیست تهران، ۱۹۱۹

با این همه، این گروه پس از یک سال نام خود را به سبب امکان برقراری روابط نزدیک‌تر و تماس مستقیم با جامعه‌ی جهانی یهودیان و گسترش اهداف خود به "انجمن صیونیت/صیونیست ایران" تغییر داد. تشکیل کلاس‌های زبان عبری و انتشار نخستین کتاب درسی زبان عبری، ترجمه‌ی فارسی جزوه‌ی تئودور هرتزل با نام *دولت یهود*

^{۳۴} لوی، تاریخ یهود/ایران، جلد ۳، ۵۱۰-۵۱۱.

History of the Zionist Movement (The Jewish State) در ۱۹۱۹ و تاریخ جنبش صیونیزم (Judeo-Persian) نوشته شده بود، از جمله نخستین فعالیت‌های این انجمن بود. کتاب *تاریخچه صیونیزم* تألیف عزیزالله بن یونا نعیم در ۱۹۲۰ گزارشی درباره جنبش صیونیزم و سازمان‌ها و شعبات آن در فلسطین به دست می‌داد.

**One of the publications of the Association
History of Zionism by Rab. Azizollah Naim, 1920**



جلد کتاب فارسیهود *تاریخچه صیونیزم*، از انتشارات انجمن صیونیست به نگارش رار عزیزالله نعیم (۱۹۲۰)

در این کتاب استنادات بسیاری به کتاب مقدس، مخصوصاً کتاب‌های اشعیا (Isaiah) و امثال سلیمان (Psalms) شده بود که نشان‌دهنده میزان الحاق هویت مذهبی و مسیحایی به مفهوم صیونیزم در بین یهودیان ایران بود.^{۳۵} هفته‌نامه هاگئولاه (رستگاری، Ha-Geulah) به خط فارسیهود از انتشارات دیگر این انجمن بود که از ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۳ منتشر شد. این نشریه نخستین پیوندها را میان رویدادهای جامعه یهود جهانی و یهودیان ایرانی برقرار ساخت.^{۳۶} ایجاد انجمن‌های صیونیستی زنان در همدان و تهران از گسترش آرمان‌های صیونیستی در میان زنان یهودی ایرانی خبر می‌دهد. انجمن زنان صیونیست همدان با نام "انجمن حداساه" (Hadassah) شناخته می‌شد و با مدیریت خانم کوخایی، معروف به عروس خانم،

^{۳۵}Walter Fischel, "Jews of Persian: 1795-1940: The Revival in Tehran," *Jewish Social studies*, 12:2 (1950), 159.

^{۳۶}Amnon Netzer, "Iran," in *Zionism in Transition*, ed. Moshe Davis (New York: Amo Press, 1980), 225-232.

مستقلاً در ۱۹۲۰ بنیاد گذاشته شده بود. این انجمن فعالیت‌های فرهنگی هفتگی خود را برای زنان برگزار می‌کرد.^{۳۷} در تهران هم “انجمن صیونیست نسوان یهودی ایران” در پاییز ۱۹۲۱ تحت مدیریت افتخاری حاجیه صنوبر (Hajieh Senobar) تشکیل شد. این گروه تحت نظارت و راهنمایی یکی از مردان عضو هیئت مدیره انجمن صیونیست ایران، راب عزیزالله نعیم، فعالیت می‌کرد.^{۳۸}



حاجیه صنوبر، رئیس انجمن بانوان
صیونیست تهران ۱۹۲۰



انجمن بانوان صیونیست همدان ۱۹۲۲

انجمن صیونیست ایران از ۱۹۲۲ شعبه‌هایی در شهرهای دیگر تأسیس و منشور جدیدی برای اتحاد شعبه‌های تازه تهیه کرد.^{۳۹} انجمن صیونیست ایران از روز تأسیس در تهران و شهرستان‌ها به دنبال رفع مشکلات هر کسی بود که برای کمک‌های شخصی یا اجتماعی، به‌ویژه در زمینه تماس با مقامات دولتی، به آنان مراجعه می‌کرد. این انجمن به قدری در فکر بهبود سطح زندگی و تحصیلات افراد جامعه خود بود که پیوسته اجرای اهداف صیونیستی‌اش به پرسش گرفته می‌شد. با این همه، انجمن از ادامه فعالیت‌های خود برای ایجاد روابط خارجی و انتشار صیونیزم نیز رویگردان نبود.^{۴۰} یکی از فعالیت‌های صیونیستی آنان که جامعه عمل پوشید، بزرگداشت قطعنامه سن ریمو بود.^{۴۱} نخستین واکنش انجمن صیونیست ایران پس از دریافت اخبار این کنفرانس فرستادن نامه قدردانی در ۱۵ می ۱۹۲۲

^{۳۷}Nina Aharoni Springer, “Early Zionist Activities in Iran: Women Zionist Associations in Hamedan and Tehran” (Zionist Archive: 1924-1966), report. Kopolovitch, Jewish Agency; Hana Shasha, “Zionist Archive,” interviewed by Nina Aharoni Springer, 2010.

^{۳۸}لوی، تاریخ یهود ایران، جلد ۳، ۵۱۸.

^{۳۹}لوی، تاریخ یهود ایران، جلد ۳، ۵۱۹.

^{۴۰}صورتجلسه ۱۹ ژوئیه ۱۹۱۹.

^{۴۱}Walter Laqueur (ed.), *The Israel-Arab Reader* (New York: 1976), 34-42.

به سناتور هانری کابوت لوج، رئیس کمیته روابط خارجی امریکا، و تشکر از او و رئیس جمهور ایالات متحده، وارن هاردینگ، برای حمایت از اعلامیه بالفور بود. این نامه به سفیر امریکا در تهران، ژوزف کُرن فیلد (Joseph Kornfeld, 1876-1944)، تسلیم شد. او که دوره سفارتش از ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۴ به طول انجامید، یک راب یهودی و از جمله دوستان رئیس جمهور هاردینگ بود. همچنین، گزارش شده است که کمیته زنان صیونیست تهران هم دست به ارسال چنین نامه‌ای زده بودند. پس از تصویب نهایی حکم قیمومت فلسطین در ۲۴ ژوئن ۱۹۲۲ در شورای جامعه ملل، به رغم دریافت تقاضای لندن در خصوص یک هفته بزرگداشت حکم تقسیم سرزمین فلسطین به دو قسمت شرق رود اردن (عرب‌نشین) و غرب رود اردن (یهودی‌نشین) در همه شهرها، در ابتدا اعضای هیئت مدیره انجمن، زمان و شرایط را آماده برگزاری چنین بزرگداشتی نمی‌دانستند و رأی به تعویق آن دادند. اما بنا به پیشنهاد دکتر لقمان نهواری (Loghman Nehoray)، نماینده وقت یهودیان در مجلس شورای ملی، مجوز لازم برای بزرگداشت از احمد قوام، نخست‌وزیر وقت، درخواست و کسب شد.^{۴۲} صورتجلسات انجمن صیونیست نشان می‌دهد که در این خصوص دو مراسم بزرگداشت جداگانه برگزار شد. نخستین رویداد جشنی محلی بود که در ۲۶ ژوئیه ۱۹۲۲ م برابر با اول آو ۵۶۸۲ عبری در خانه شخصی رئیس انجمن، سلیمان کهن صدق (Soleyman Kohan Sedegh)، برگزار شد.



سلیمان کهن صدق، رئیس انجمن صیونیست

در این مراسم، رئیس انجمن از برگزاری جشن یهودیان در سراسر کشور خبر داد که برای اوت ۱۹۲۲ برنامه‌ریزی شده بود.^{۴۳} دومین رویداد برقراری دو شب جشن در ۹ و ۱۰ اوت ۱۹۲۲ م برابر با ۱۵ و ۱۶ ماه آو ۵۶۸۲ عبری در محل مدرسه آلیانس

^{۴۲} صورتجلسه ۲۸ آوریل ۱۹۲۰.

^{۴۳} لوی، تاریخ یهود/یرن، جلد ۳، ۵۳۰-۵۳۱. این تاریخ به اشتباه ۱۹ اوت ۱۹۲۱ گزارش شده است.

اسرائیلیت (اتحاد) بود که همراه با اجرای موسیقی یک ارکستر نظامی برگزار شد. دعوت‌نامه‌های رسمی شب نخست برای گروه ویژه‌ای از میهمانان و از جمله اعضای کابینه، نمایندگان مجلس، سفرای خارجی، بازرگانان سرشناس، روزنامه‌نگاران و روحانیان مسلمان فرستاده شد. همچنین، نام رضاخان سردار سپه، وزیر دفاع، در فهرست میهمانان در مقام نماینده نخست‌وزیر احمد قوام آمده است. بر اساس گزارش حبیب لوی، سردار سپه در مراسم شرکت کرد. در این مراسم، چند تن از مقامات دولتی و شخصیت‌های مشهور ایرانی سخنانی در حمایت از آن رویداد ایراد کردند. شب دوم ویژه اعضای جامعه یهودیان بود.^{۴۴}

در دهه ۱۹۲۰، بزرگ‌ترین مشکل انجمن صیونیست در تهران مواجه با سازمان جهانی صیونیست در زمینه کمبود ارتباطات عمومی بود. اسناد آشکار می‌سازند که نخستین هدف مراکز صیونیست لندن و اورشلیم در آن زمان الحاق جامعه یهودیان ایران در فعالیت‌های سازمان جهانی صیونیست بود. یکی از این فعالیت‌ها فروش اوراق قرضه صیونیستی (Zionist Shekels) برای حضور در سازمان جهانی بود.^{۴۵} فروش اوراق قرضه و حضور رسمی و مرتب در کنفرانس‌های جهانی برای جامعه ایرانیان یهودی به سبب مشکلات مسافرت، هزینه‌های آن و نداشتن نماینده واجد شرایط امکان‌پذیر نبود.^{۴۶} انتظار دیگری که از این انجمن می‌رفت فراهم آوردن امکان مهاجرت داوطلبانه به سرزمین مقدس بود. در آن زمان، انگیزه اغلب مهاجران فرار از شرایط سخت اقتصادی، اجتماعی و وضعیت حقوقی ایران بود، در حالی که انجمن جهانی صیونیزم فقط به صاحبان حرفه و فن در بخش‌های هنر و صنعت اجازه مهاجرت به اورشلیم را می‌داد. محدودیت‌های مهاجرت حتی صاحبان مشاغل چون بازرگانان، خیاطان، کفاشان و نجاران را نیز در بر می‌گرفت. لذا فقط تعداد اندکی از ایرانیان یهودی با معیارهای سازمان صیونیست جهانی امکان مسافرت و مهاجرت به اورشلیم را پیدا می‌کردند.^{۴۷} با این همه، گزارش شده است که تعداد مهاجران از ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۵ تقریباً ۱۵۰۰ تن بوده است. برخی از روزنامه‌های محلی در تهران، مانند شفق سرخ، مقالات تندی علیه مهاجرت یهودیان نوشتند که چندان مؤثر

^{۴۴} لوی، تاریخ یهود ایران، جلد ۳، ۵۳۱-۵۳۲.

^{۴۵} استفاده از واژه شکل برای اوراق قرضه انجمن صیونیست اشاره به واحد پول در عهد قدیم است. تعداد نمایندگان شرکت‌کننده در کنفرانس‌های بین‌المللی صیونیسم بستگی به مقدار فروش این اوراق قرضه داشت.

^{۴۶} Amnon Netzer, "Zionist Activity in Iran in the Years 1920-26," trans. *Miqqedem u-Miyam*, Studies in the Jewry of Islamic Countries, vol.2 (Haifa: University of Haifa, 1986), 237-250.

^{۴۷} Netzer, "Zionist Activity in Iran," 237-250.

واقع نشد.^{۴۸} بسیاری از مهاجران هم چند سال بعد به سبب تظاهرات فلسطینیان بر علیه قطعنامه سن ریمو به ایران بازگشتند. تظاهرات بر علیه مهاجران یهودی منجر به کشته شدن یهودیان در ۱۹۲۹ در شهر حبرون (الخلیل) شد. علت این کشتار آن بود که مقامات انگلیسی اداره‌کننده فلسطین امنیت را چنان که باید حفظ نکرده بودند.^{۴۹} گزارش‌ها نشان می‌دهند که ارتباط جامعه یهودیان ایران با سازمان جهانی صیونیزم فقط به انجمن مرکزی در تهران محدود نمی‌شد و افرادی بودند که مستقیماً با سازمان از طریق ارسال حق عضویت یا اشتراک نشریه ماهانه سازمان جهانی صیونیست ارتباط برقرار کرده بودند.^{۵۰}

ظهور سلسله پهلوی در ۱۹۲۵ باعث ممنوعیت ارتباط و فعالیت همه احزاب متشکل سیاسی با سازمان‌های خارجی شد. گرچه هدف اصلی، کمونیست‌ها و مخالفان سلطنت رضاشاه بود، فعالیت‌های صیونیستی هم شامل این ممنوعیت‌ها شدند.^{۵۱} در نتیجه، انجمن صیونیست ایران نتوانست فعالیت‌های خود را دنبال و ارتباط با سازمان جهانی صیونیست را به‌رغم شور و شوق اولیه‌اش حفظ کند. این جدایی و شکست نخست به سبب سیاست داخلی رضاشاه و متعاقب آن به علت پیدایی شکاف میان اعضای جامعه درباره پنجمین دوره انتخابات مجلس و رقابت میان دو کاندیدای یهودی، دکتر لقمان نهوری از تهران و مستر شموئیل حییم از کرمانشاه، پدید آمد.^{۵۲} ممنوعیت فعالیت‌های اجتماعی باعث از میان رفتن فعالیت‌های روشنفکرانه در سطح محلی شد.

به همین سبب است که آخرین صورتجلسات انجمن صیونیست که دلیل مستندی بر فعالیت‌های این جمعیت است ناقص و پراکنده است و پایان سرنوشت آن انجمن را باید در سایر مدارک و اسناد آن دوران جست‌وجو کرد.

⁴⁸Levy, *Comprehensive*, 521.

⁴⁹حبیب لوی، *خاطرات من*، ویراسته هوشنگ ابرامی (کالیفرنیا، بورلی هیلز: بنیاد فرهنگی حبیب لوی، ۲۰۰۲)، ۱۹۹.

⁵⁰Nina Aharoni Springer, "Biography of Moshe Cohen Yazdi-Haroni," (Jerusalem, 2010).

⁵¹Netzer, "Zionist Activity in Iran," 227.

⁵²Netzer, "Zionist Activity in Iran," 237-250.